

در اولین مأموریت خود در جنوب، در عملیات فتح‌المبین شگفتی آفرید. بدین معنا که نیروهایش ابتدا تا آنجا در دل دشمن نفوذ کردند که براساس اسناد شوند رادیویی، فرمانده توپخانه عراقی ها به فرمانده خود که در خط مقدم است اعلام می‌کند؛ به من حمله شده، آن فرمانده در پاسخ می‌گوید؛ خواب‌نما شده‌ای! چطور ممکن است دشمن از ما عبور کرده و پشت سر نیروهایت درآمده باشد؟ نیروهای تحت امر حاج احمد متوسلیان دراین محور توانستند ضمن انهدام تعداد زیادی از ادوات دشمن، ۳۲۰ دستگاه



حاج احمد متوسلیان



شهید علی هاشمی



**حاج عباس هوشمی: «حاج علی، خوب گوش کن. من دارم سه‌هلیکوپتر می‌بینم که خط‌حرکتشان نشان می‌دهد به سمت قرارگاه می‌آیند. قرارگاه لورفته است. باشنیدن این حرف‌ها از قرارگاه زدیم بیرون ... به محض بیرون آمدن از قرارگاه‌هلی کوپترهای عراقی سر رسیدند، علی بادیدن هلی کوپترها گفت گرجی بدو، هرچه در توان داشتم در پاهایم جمع کردم و شروع به دویدن کردم، پس از مدتی مورد اصابت قرار گرفتم و افتادم دیگر علی رانددیم. من هم ابتدا فکر می‌کردم اسیر شده برای همین تصمیم گرفتم تا صدام زنده است از علی چیزی نگویم**

تانک و نفربر بعلاوه ۵۰۰ دستگاه خودرو ، ۱۶۵ قبضه توپ دشمن را سالم به غنیمت گرفته و با آنها واحد توپخانه سپاه راه‌اندازی شود. در عملیات آزادسازی خرمشهر نیز محوری که تیپ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی احمد متوسلیان مأموریت داشت تا از آنجا به خط پزند و پیشروی کند، با سرسختی دشمن و پانک‌های سنگین و پیاپی نیروهای عراقی مواجه می‌شود، کار بالا می‌گیرد اما نیروها مقاومت می‌کنند. اهمیت این محور به احمد متوسلیان فردی شجاع، جسور و دارای قدرت سازماندهی بود. به همین دلیل هم در طرح توسعه یگان‌های سپاه قبل از عملیات فتح‌المبین به درخواست فرماندهان ارشد سپاه از کردستان به جنوب فراخوانده شده و با تشکیل تیپ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی این تیپ که بعد ها به لشکر تبدیل شد، منصوب گردید. حاج احمد متوسلیان

– کرمانشاه را که در تصرف نیروهای تجزیه طلب بود، آزاد کند. بعد از این عملیات مهم مسئولیت سپاه پاوه به او سپرده شد و اوایل خرداد ۱۳۵۹ موفق شد شهرستان مریوان که در تصرف نیروهای وابسته به اچانب بود را آزاد کند. فرماندهان که جوهره وجسارت فوق‌العاده‌ای در وی مشاهده کرده بودند، مسئولیت سپاه مریوان را بر عهده او گذاشتند تا امنیت و آسایش را برای مردم این شهر مرزی به ارمغان آورد. به توصیف هم‌زمانش، احمد متوسلیان فردی شجاع، جسور و دارای قدرت سازماندهی بود. به همین دلیل هم در طرح توسعه یگان‌های سپاه قبل از عملیات فتح‌المبین به درخواست فرماندهان ارشد سپاه از کردستان به جنوب فراخوانده شده و با تشکیل تیپ محمد رسول الله (ص) به فرماندهی این تیپ که بعد ها به لشکر تبدیل شد، منصوب گردید. حاج احمد متوسلیان

وضع خیلی خراب بود. مجبور شدیم عقب‌نشینی کنیم. اینجا عراق بدجوری حمله کرده است. هیچ چیز جلودارشان نیست. بیشتر نیروها از پا درآمده‌اند. باقی مانده نیروها هم در حال عقب‌نشینی‌اند. سعی می‌کنم نیروها را هر طور شده به عقب بیاورم تا کسی اسیر نشود.» حاج علی پرسید: «گرجی، در قرارگاه چند ماشین داریم؟» گفتیم: «دو ماشین داریم که یکی از آن‌ها آمبولانس است.» حاج علی ادامه داد: «دو ماشین برای ما کافی است. ماندن دیگر به صلاح نیست. آماده عقب رفتن باشید. دیگر نمی‌شود اینجا ماند. عراق احتمالاً به سمت قرارگاه می‌آید. هر چه زودتر باید قرارگاه را خالی کنیم، هر لحظه ممکن است عراقی‌ها با هلی برن روی سرمان فرود بیایند.» در حین حرف زدن علی، صدای زنگ تلفن بلند شد. گوشی را برداشتم، صدای عصبانی سردار غلام‌پور بود: «شما هنوز آنجا هستید؟ بابا، چرا حرف گوش نمی‌دهید؟ بیاید عقب دیگر! آخر چند بار باید بگویم؟ این بار آخر است که می‌گویم. شما شرعاً باید برگردید به عقب. صدای بی‌سیم دوباره به گوش رسید. حاج عباس هوشمی بود، می‌گفت: «حاج علی، خوب گوش کن. من دارم سه هلیکوپتر می‌بینم که خط حرکتشان نشان می‌دهد به سمت قرارگاه می‌آیند. احتمالاً قصد محاصره آنجا را دارند. قرارگاه لورفته است. شما را به خدا سریع از آنجا بروید بیرون. باشنیدن این حرف‌ها از قرارگاه زدیم بیرون ... به محض بیرون آمدن از قرارگاه هلی‌کوپترهای عراقی سر رسیدند، علی با دیدن هلی کوپترها گفت گرجی بدو، هرچه در توان داشتم در پاهایم جمع کردم و شروع به دویدن کردم، پس از مدتی مورد اصابت قرار گرفتم و افتادم دیگر علی را ندیدم. من هم ابتدا فکر می‌کردم اسیر شده برای همین تصمیم گرفتم تا صدام زنده است از علی چیزی نگویم تا دشمن به وجود او در میان اسرایی نبرده و روزی آزاد شود اما او در همان جا شهید شده و پیکرش ۲۲ سال مفقود بود.» (خاطرات شفاهی سردار علی اصغر گرجی زاده)

#### ▪ سردار متوسلیان، فرمانده انقلابی و جهادی

سردار احمد متوسلیان نیز از بی‌سال‌ها ابهام و تردید بیرون وضعیتش همچنان سرداری (ایستاده در غبار) است، زیرا بعد از روده شدن در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ به دست فالانژها، همراه سید محسن موسوی کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و یکی دیگر از کارمندان سفارت، همچنان در وضعیت بالاتکلیف و ناروشن هستند. ابهام در وضعیت سردار احمد متوسلیان موجب شده بود تا همه ساله پنج ماشین پشت سر هم به سمت عقب حرکت کردند. بعد از رفتن فرماندهان کنار علی نشستیم. او با حاج عباس هوشمی تماس گرفت و از اوضاع خط مقدم پرسید. حاج عباس، که صدایش به خوبی به گوش نمی‌رسید، گفت: «در جاده خندق



خبرگزاری دفاع مقدس

تابستان ۱۳۶۰، مریوان، روستای ساوجی، میله‌مرزی – ایستاده از راست: (محمود آشتیانی، شهید سید رسول عبادت، احمد صفایی، یزدانی، ناشناس)، نشسته از راست: (نیشابوری، جواد اکبری، حاج احمد متوسلیان)

به یاد سرداران شهید و مفقود علی هاشمی و حاج احمد متوسلیان

# گمنامان عرصه جهاد از جنوب ایران تا جنوب لبنان

حسن عبدالله زاده

بازگشت آزادگان این فرضیه با تردید جدی مواجه شد تا اینکه با کشف و شناسایی پیکر این شهید والامقام، پس از ۲۲ سال در نزدیکی قرارگاه فرماندهی سپاه ششم، در سال ۱۳۸۹، به زادگاهش اهواز منتقل و در قطعه شهدای این شهر به خاک سپرده می‌شود. علی اصغر گرجی‌زاده؛ رئیس ستاد سپاه ششم که تا آخرین لحظات با سردار هاشمی همراه بوده و خود نیز پس از زخمی شدن به اسارت بعثیان عراقی درآمده است، خاطرات خود از آن روز را چنین روایت می‌کند: «عهده‌ای از بچه‌ها انگار می‌دانستند آنجا آخر خط است. به سنگر علی هاشمی می‌رفتند و با او خداحافظی می‌کردند. صحنه وداع و خداحافظی خاصی بود. آنها در آغوش علی گریه می‌کردند و می‌گفتند: «بگذار کنار شما باشیم.» و علی می‌گفت: «نه، الان وظیفه شما عقب رفتن و وظیفه من و گرجی و این چند نفر ماندن است.» دیگر

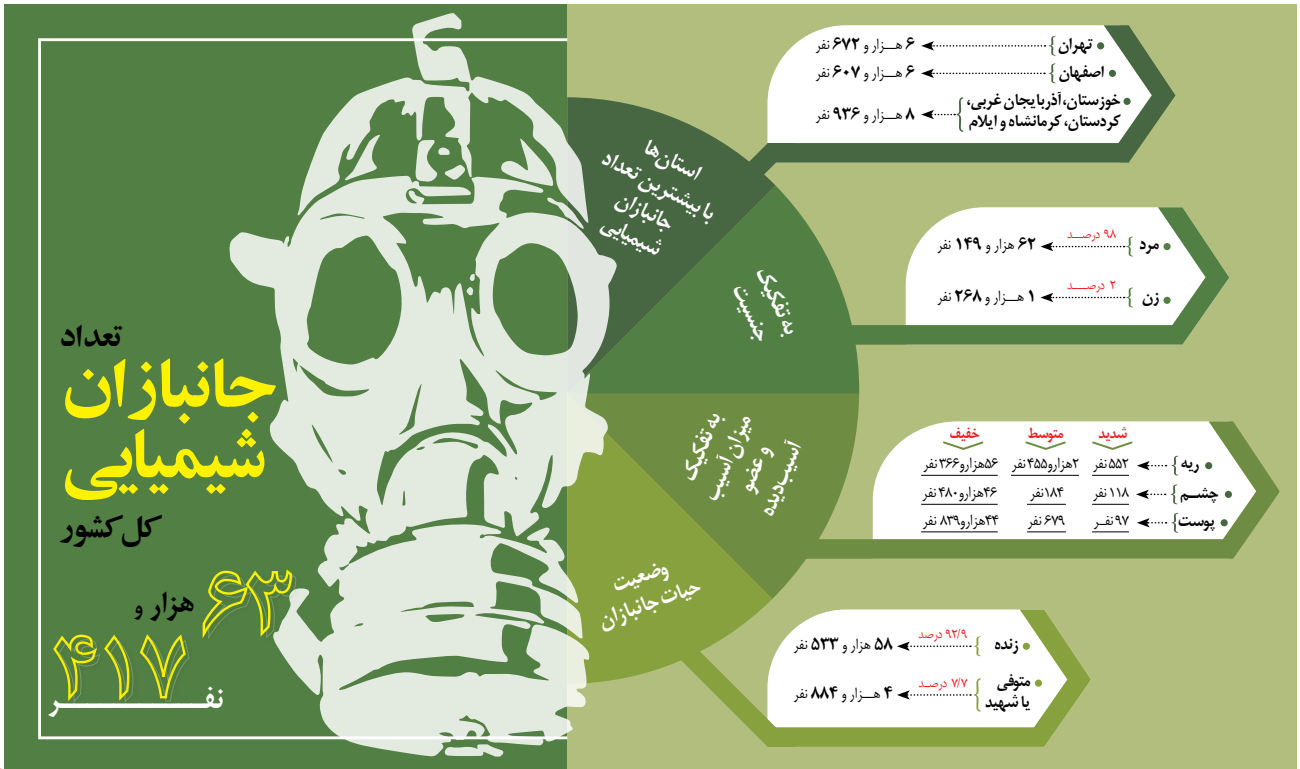
تیرماه یادآور نام سلسله سرداران بزرگ دوران دفاع مقدس، سردار احمد متوسلیان فرمانده لشکر خط شکن ۲۷ محمدرسول الله(ص) و سردار علی هاشمی فرمانده قرارگاه نصرت و سپاه ششم امام جعفرصادق(ع) است. سردارانی که در سرنوشتی مشترک مرحله پایانی حیاتشان سال‌ها با هاله‌ای از ابهام همراه بود.

#### ▪ شهید هاشمی، فرمانده مخلص

سردار علی هاشمی در روزهای پایانی جنگ - چهارم تیرماه ۱۳۶۷ - به دنبال حمله ارتش عراق به جزیره مجنون، پس از مقاومتی جانانه و اطمینان از تخلیه کلیه نیروها، هنگام خروج از فرماندهی، هدف موشک هلی‌کوپترهای عراقی قرار گرفت. تا مدت‌ها تصور می‌شد وی به اسارت درآمده و در اردوگاه‌های عراق به سر می‌برد؛ اما با

مروری بر جنایات شیمیایی صدام در جنگ تحمیلی

## سه دهه زندگی با تاول و خردل



اینفوگرافیک: دنیا حق شو

نودشه، منطقه عملیاتی طلائیه، حلبچه، فاو و جزایر مجنون از دیگر مناطقی بودند که مورد حمله شیمیایی رژیم بعث عراق قرار گرفتند.

در ۸ سال دفاع مقدس استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، درحالی اتفاق می‌افتاد که این کشور جزو کشورهای امضاکننده پروتکل ژنو در سال ۱۹۲۵ در ارتباط با منع استفاده از سلاح‌های سمی، خفه‌کننده و ترکیبات باکتریولوژیک بود. قربانی گرفتن سلاح‌های شیمیایی باعث شد جمهوری اسلامی ایران از بدو گفت‌وگوهای مربوط به تدوین کنوانسیون در ژنو و همچنین در کمیسیون قضایاتی آن جزو فعال‌ترین کشورهای عضو باشد. ایران در سال ۱۹۹۷ با تصویب مجلس شورای اسلامی به کنوانسیون پیوست و از همان آغاز همواره عضو شورای اجرایی سازمان بوده و حضوری فعال و تأثیرگذار در سامان منع سلاح‌های شیمیایی داشته است.

با اینکه سی و سه سال از سند توحش غرب و مدعیان حقوق بشر در سرداشت، نخستین شهر بمباران شیمیایی شده غیرنظامی جهان و دیگر مناطق مورد حمله بمباران‌های شیمیایی می‌گذرد اما موصومین و آسیب دیدگان ناشی از این اقدام ضد بشری را پایانی نیست و هنوز هم که هنوز است خردل و تاول جزئی از زندگی روزمره مردم مرزی این دیار است.



**روستاهای زرده، نسا دیره، نسا دیره سفلی و شاهمار دیره از توابع شهرستان گیلانغرب، شیخ صله از توابع شهرستان ثلاث باباجانی، دودان از توابع شهرستان پاوه و روستای باباجانی از توابع شهرستان دالاهو همزمان در یک روز مورد حمله شیمیایی مشابهی قرار گرفتند همچنین شهرهای سوما، مریوان، بانه، پیرانشهر، نودشه، منطقه عملیاتی طلائیه، حلبچه، فاو و جزایر مجنون از دیگر مناطقی بودند که مورد حمله شیمیایی رژیم بعث عراق قرار گرفتند**



شیمیایی استفاده کرد. بعد از آنکه رژیم بعث عراق از پیروزی در جبهه‌های جنگ علیه ایران ناامید شد، تصور می‌کرد با حملات شیمیایی می‌تواند خواسته‌های خود را بر ملت ایران تحمیل کند، از این‌رو در تاریخ هفتم و هشتم تیرماه ۱۳۶۶، هواپیماهای بمب افکن عراقی با بمب‌های شیمیایی به چهار نقطه پر از دحام و مтраکم جمعیتی شهر سردشت حمله کردند. در پی این اقدام عراق، ستاد تبلیغات جنگ از نمایندگان رسانه‌ها و کارشناسان سازمان ملل دعوت کرد تا از آثار بمباران شیمیایی عراق در شهر سردشت بازدید کنند. در بخشی از اطلاعات ستاد تبلیغات جنگ دره‌همین ارتباط آمده است: «مردم جهان باید بدانند که جنایتکاران جنگی حاکم بر عراق در وحشیگری و رذالت گوی سبقت را از «هیتلر» و سران ارتش نازی ربوده‌اند و این وظیفه برعهده ارگان‌های بین‌المللی و رسانه‌های گروهی است که افکار عمومی را از عمق این جنایات آگاه سازند.»

اما بار دیگر بعد از حمله به سردشت، روستاهای زرده، نسا دیره، نسا دیره سفلی و شاهمار دیره از توابع شهرستان گیلانغرب، شیخ صله از توابع شهرستان ثلاث باباجانی، دودان از توابع شهرستان پاوه و روستای باباجانی از توابع شهرستان دالاهو همزمان در یک روز مورد حمله شیمیایی مشابهی قرار گرفتند. همچنین شهرهای سوما، مریوان، بانه، پیرانشهر،

(گاز خردل) استفاده کرد. ارتش بعث در سال‌های ۶۰ و ۶۱ همزمان با وقتی که عملیات‌های پیاپی رزمندگان ایرانی گسترش یافت، در عملیات‌های والفجر۲، والفجر ۴، والفجر ۸، خیبر، بدر، نبرد دوم فاو و عملیات تونکنا علی‌الله تا بمب‌های

اولین باری که ارتش عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرد، به نخستین ماه جنگ و ۲۷ مهرماه ۱۳۵۹ در منطقه جنوب (استان خوزستان) برمی‌گردد. در نخستین سال جنگ تحمیلی، عراق چهار بار از سلاح شیمیایی، نوع تاول را

آسیب از به کارگیری سلاح‌های نامتعارف در طول تاریخ را متحمل شده است. از این‌رو هشتم تیرماه در تقویم ملی ایران که مصادف با سالروز بمباران شیمیایی سردشت است، روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نام گرفته است.

رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی، ۲۵۲ بار ایران را مورد حمله شیمیایی قرار داد. براساس آمار و گزارش‌ها ایران جزو کشورهایی است که بیشترین

مرجان قندی

خبرنگار